

بررسی رابطه ابعاد کمال گرایی و خلاقیت در بین دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان جاجرم

شهلا محمودیان¹

دکتر بهرنگ اسماعیلی شاد²

تاریخ دریافت: 94/05/06

تاریخ پذیرش: 94/07/11

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه ابعاد کمال گرایی با خلاقیت در دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهر جاجرم است. این پژوهش از نوع توصیفی و به شیوه همبستگی است. جامعه آماری پژوهش 203 دانش آموز متوسطه دختر و پسر را شامل می‌شود. نمونه تحقیق تمام شماری شده و پرسشنامه بین کلیه دانش آموزان توزیع گردیده است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه کمال گرایی تری - شورت و همکاران (1995) و خلاقیت تورنس (2002) جمع آوری گردید. پایایی آن با روش ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاسهای کمال گرایی به ترتیب 0/85 و برای مقیاس خلاقیت ضریب 0/81 به دست آمد. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره و آزمون T به کمک نرم افزار spss نسخه 18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج آزمون پیرسون نشان داد که رابطه معناداری بین ابعاد کمال گرایی با خلاقیت وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون حاکی از آن است که ابعاد کمالگرایی می‌تواند خلاقیت را پیش بینی کند. بعلاوه دختران نمره‌های بالاتری در متغیر کمال گرایی منفی کسب کردند در حالی که پسران نمره‌های بالاتری در کمال گرایی مثبت به دست آوردند.

کلید واژه‌ها: خلاقیت، کمال گرایی مثبت، کمالگرایی منفی، دانش آموزان متوسطه

¹ . دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

² . استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران Behrang_esmaeeli@yahoo.com

مقدمه

دانش آموزان بعنوان رکن اصلی آموزش و پرورش همیشه مورد توجه صاحب نظران تعلیم و تربیت قرار گرفته اند، به همین دلیل برای پرورش سلامت روانی و ارتقاء کیفیت آموزشی دانش آموزان، شناخت ویژگیهای شخصیتی، شناختی، عاطفی و انگیزشی آنان ضروری به نظر می‌رسد. یکی از زمینه‌های مطلوب برای رشد انسان، خلاقیت می‌باشد. خلاقیت فرآیند ذهنی کشف ایده‌ها و مفاهیم یا آمیزش ایده‌ها و مفاهیم موجود است. در واقع خلاقیت یعنی بکارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یا تبلور یک فکر یا مفهوم جدید که برخی نیز آن را به ترکیب ایده‌ها یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌ها تعبیر نموده‌اند (علی محمدی، 1388: 23). افروز (1386) بر این باور است که خلاقیت به مثابه برترین ویژگی ذهنی انسان مولد و متفکر، خود نشانی است از رشد متعادل و متعالی شخصیت و پاسخی است به نیاز همیشه انسان به شکافتن بنیست‌ها و راه یافتن به فراترها. براین اساس یکی از آرزوهای بزرگ آموزش و پرورش، تربیت دانش آموزان خلاق می‌باشد، به همین دلیل شناسایی عوامل مؤثر بر خلاقیت یکی از موضوعات اساسی پژوهشها بوده است. در این ارتباط، برخی از صاحب نظران به طور کلی مجموعه‌ای از عوامل شناختی (مانند هوش و استعداد)، متغیرهای محیطی (عوامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) و متغیرهای شخصیتی (مانند پنج عامل شخصیت، انگیزه درونی، ویژگی‌های خودرهبری) را بر خلاقیت مؤثر دانسته اند (آیزنک، 2000).

تحقیقات انجام شده در زمینه خلاقیت نشان می‌دهد برخلاف نظریه پردازان گذشته که خلاقیت را فرآیندی ارثی و ذاتی تلقی می‌کردند، خلاقیت را می‌توان به کودکان و نوجوانان آموزش داد؛ به عبارت دیگر واقعیت این است که همه با این استعداد پا به دنیا می‌گذارند و این آموزش و تجربه است که می‌تواند زمینه شکوفایی و غنا بخشیدن هر چه بیشتر به این استعداد را فراهم آورد. از این رو پرورش خلاقیت به عنوان یکی از مهمترین هدفهای آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته است (ولیکی و امینی، 1389: 13)؛ اما همچنان که جوامع پیشرفت می‌کنند و آموزشهای نوین بر پرورش بیشتر خلاقیتها تأکید می‌کنند، فرهنگ اجتماعی، مبتنی بر رویکرد موفقیت مداری شده و بر پیروزیها ارج می‌نهد. در این جوامع انسانها بر اثر فشارهای محیطی و بدون توجه به توانایی هایشان کمالگرا بار می‌آیند. این افراد اهداف سطح بالا برای خود وضع می‌کنند و معیارهای خود را به شکل قوانین عملیاتی می‌کنند. افرادی که کمالگرا هستند، معتقدند که خود و محیط اطرافشان باید کامل بوده و

هرگونه تلاشی در زندگی باید بدون اشتباه و خطا باشد. کمال گرایی به منزله تمایل پایدار فرد به وضع معیارهای کامل و دست یافتنی و تلاش برای تحقق آنها است.

کمال گرایی یکی از نمودهای «مطلوب خواهی» در انسان‌ها و بویژه نوجوانان است. دانش آموزان دوره متوسطه همیشه سعی دارند که یک نوع ارتباط ایده آل بین میزان خلاقیت خویش و رسیدن به قله‌های هدف ایجاد کنند و اینکه چگونه بتوانند در رقابت درسی و کنکور یک کمال عینی را برای خویش ترسیم کنند. این احساس و تمایل دستیابی به «مطلوب» در صورت عدم حمایت و هدایت صحیح منجر به افزایش فشار و تنش روانی می‌شود که فرد را گاهی به سمت فروپاشی روانی نیز سوق می‌دهد. کمال گرایی بعنوان در نظر گرفتن معیارهای خیلی بالا برای ارزیابی پیشرفت، می‌تواند مانع خلاقیت باشد چرا که افراد کمال گرا معمولاً در شروع کارها مشکل دارند (فلت و هویت، 2006: 18).

به طور کلی ترس از شکست، نگرانی از ارزیابی و نحوه تفکر دیگران در مورد خود، تدوین استانداردهای سطح بالا و عدم اطمینان به کسب موفقیت آمیز آنها که افراد کمالگرا با آنها دست به گریبانند، همگی زمینه ساز بروز و تجلی اضطراب می‌گردد و چون از شکست در رسیدن به کمال مورد نظرشان هراسان هستند و به جز موفقیت کامل به چیزی راضی نمی‌شوند، برخورداری از تفکرات کمالگرایانه از یک سو خود به تنهایی منجر به افت تحصیلی می‌گردد زیرا دانش آموزان کمالگرا تنها با کسب نتایج عالی ارضا نمی‌شوند، آنان به این امر اکتفا نمی‌کنند که عملکردشان از همسالان خود بهتر است بلکه رضایتشان تنها هنگامی به طور کامل تأمین می‌گردد که کار یا تکلیف مورد نظر را به طور کامل و بدون هیچ گونه خطایی انجام دهند، از این جهت ممکن است به خاطر ترس از عدم نیل به مقصود خود به هیچ عنوان به سراغ مسئولیت خود نروند یا آن را در نیمه کار رها می‌کنند و به همین دلیل دچار افت تحصیلی می‌شوند و از سوی دیگر کمال گرایی ممکن است با به وجود آوردن افسردگی و اضطراب به صورت غیر مستقیم به افت تحصیلی منجر گردد (بشارت، 1383: 42).

البته کمال گرایی از ویژگیهایی است که می‌تواند هم سازنده و مفید، هم منفی و مخرب باشد. برخی از پژوهشگران معتقدند که سازه کمال گرایی می‌تواند به صورتهای بهنجار یا نابهنجار (هماچک، 1378) و مثبت یا منفی (تری-شورت، 1995؛ فلت و هویت، 2006) یا روان رنجورانه یا مثبت باشد (فروست و همکاران، 1990). کسانی که کمالگرایی مثبت دارند معیارهایی را برای خود در نظر می‌گیرند اما به جای اینکه رسیدن و یا نرسیدن به آن معیارها برایشان مهم باشد، نفس تلاش

کردن برای رسیدن به هدف در نظرشان اهمیت دارد. در مقابل افراد کمالگرای منفی، بیشتر در فکر آنند که مبدا اشتباهی از آنها سر بزند و هیچ وقت احساس پیروزی نمی‌کنند (فلت و هویت، 2006).

کسانی که کمالگرایی منفی دارند حتی اگر از دیگران بهتر کار کنند، باز هم احساس رضایت نمی‌کنند، هدف بالاتری را در نظر می‌گیرند و مداوم در این زنجیره بی انتها گیر می‌کنند و در نتیجه دچار انواع افسردگی و روان رنجورخویی می‌شوند. متأسفانه یکی از نکات تربیتی که والدین و برخی نظام‌های آموزشی به فرزندان خود آموزش می‌دهند آن است که برای انجام هر کاری، تمام نیرو و تلاش خود را به کار بگیرند و آن را بدون عیب و نقص انجام دهند اما می‌توان گفت کمال گرایی تا زمانی که نفع فرد است که در ارتباط با خودش و به منظور به فعلیت در آوردن همه ظرفیت‌ها و استعداد هایش صورت گیرد. هنگامی که گرایش به کمال با رقابت و پیشی گرفتن از دیگران و صرفاً به منظور کسب تأیید و رضایت خاطر آنان صورت گیرد جنبه منفی و به عبارت دیگر نابهنجار پیدا می‌کند.

رودل (1984) در پژوهش خود به جنبه‌های مثبت و منفی کمال گرایی اشاره کرده که از نظر او «توجه موشکافانه به جزئیات و تعهد» دو مؤلفه اصلی کمال گرایی مثبت قلمداد می‌شود. وجود این دو مؤلفه در افراد کمال گرای مثبت موجب شکوفایی توانایی‌ها و ارتقای افکار خلاقانه در آنها می‌گردد. از دیگر سو، برولین (1992) در مطالعه خود صفاتی همچون انگیزش قوی و درونی، کنجکاوی هوشمندانه، استقلال فکری و عملی، تمایل برای خود شکوفایی، وجود افکار هنری و زیبا، دارا بودن قدرتی خوب برای درک جزئیات و امور اطراف خود، خود اطمینانی و حساسیت را برای افراد خلاق ذکر می‌کند. از این رو ملاحظه می‌شود که بر حسب نتایج پژوهش‌های رودل و برولین، افراد کمال گرای مثبت و افراد خلاق دارای ویژگی‌های شخصیتی مشابه و یکسانی هستند، بر این اساس شاید بتوان رابطه‌ای را بین افراد کمال گرا و خلاق تصور نمود بگونه‌ای که شاید افراد خلاق، کمال گرایانی هستند که بعد مثبت شخصیت خود را پرورش داده اند و یا اینکه کمال گرایی باعث بروز خلاقیت در افراد می‌شود. از آنجا که دانش آموزان دوره متوسطه در پی کسب نوآوری‌های جدید و بروز توانمندی‌های خلاق محور هستند و از این طریق می‌خواهند که به اهداف از قبل ترسیم شده برسند، از این رو این پژوهش برآن است که به این سؤال اساسی پاسخ گوید که آیا بین ابعاد کمال گرایی و خلاقیت در دانش آموزان دوره متوسطه رابطه‌ای وجود دارد؟

از جنبه کاربردی، اهمیت موضوع پژوهش حاضر را باید بطور عمده به نفع نظام آموزشی تفسیر کرد چرا که لازم است به شناخت دقیق فرایندهای کمال گرایی و خلاقیت پرداخته شود و عوامل موثر بر آنها بررسی گردد. در جهان امروز بالاترین و بهترین تولید برای کشورهایی که بخواهند حرف اول را در دنیا داشته باشند، تولید فکر نو و ایده است و این امر به خوبی ضرورت توجه به خلاقیت و پرورش آن را در دانش آموزان نشان می‌دهد. جامعه امروز، جامعه مخاطرات، تهدیدها و چالشهاست. بردگان این جوامع کسانی هستند که جهان را با خلاقیت و نو آوری دگرگون می‌کنند. از این رو شناخت و تعلیم و تربیت افراد خلاق، بدین دلیل است که این قبیل افراد بتوانند بار مهمی از وظایف و مسئولیتهای علمی، فرهنگی و اجتماعی جامعه را بر دوش بکشند (حیدری تفرشی، 1388: 37).

از آن جا که تفکر خلاق می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بویژه کمال گرایی قرار گیرد و همچنین نظر به اهمیت دوران نوجوانی در قوام شخصیت انسان و با توجه به اینکه دنیای آینده، شهروندانی خلاق و نوآور را طلب می‌کند، پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه ابعاد کمالگرایی و خلاقیت در بین دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان جاجرم است چرا که علیرغم اهمیت موضوع، خلا علمی در فضای علمی کشور و بویژه استان خراسان شمالی در این رابطه وجود دارد و تحقیق مشابهی که به بررسی رابطه این دو متغیر در نظام آموزشی استان خراسان شمالی پرداخته باشد، انجام نگرفته است. بر این اساس پژوهش حاضر بدنبال پاسخی برای این فرضیه است: «بین ابعاد کمال گرایی و خلاقیت دانش آموزان دبیرستانی دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم رابطه وجود دارد.»

فرضیه‌های فرعی این پژوهش عبارتند از:

1- ابعاد کمال گرایی قابلیت پیش بینی خلاقیت در دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم را دارد.

2- بین میزان خلاقیت دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد.

3- بین میزان کمال گرایی دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد.

پیشینه پژوهش

قوام ملتفت و ساداتی فیروز آبادی (1392) پژوهشی با عنوان « بررسی رابطه ابعاد کمالگرایی با خلاقیت در دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز » انجام داده اند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که کمالگرایی مثبت به صورت مثبت و کمالگرایی منفی به صورت منفی، قابلیت پیش بینی خلاقیت را در کل گروه و گروه دختران دارد اما در گروه پسران فقط کمالگرایی منفی به صورت منفی قابلت پیش بینی خلاقیت را دارد. یافته‌های این مطالعه از یک طرف شواهدی برای اثرگذاری کمالگرایی بر روی خلاقیت دانش آموزان فراهم می‌کند و از طرف دیگر نشان می‌دهد ابعاد کمالگرایی به صورت متفاوتی خلاقیت را پیش بینی می‌کند و کمالگرایی منفی اثر منفی بر خلاقیت دانش آموزان دارد.

در پژوهشی که توسط داوری و همکاران (1391) با عنوان بررسی رابطه بین کمالگرایی و خودکارآمدی تحصیلی انجام شد، نتایج پژوهش نشان داد که کمال گرایی مثبت به صورت مثبت، سهم معنی داری در پیش بینی اهداف رویکرد تبحری و رویکرد عملکردی داشت و کمالگرایی منفی بطور مثبت سهم معنی داری در پیش بینی اهداف رویکرد عملکردی، اجتناب- تبحری و اجتناب- عملکردی داشت. همچنین خودکارآمدی تحصیلی به صورت مثبت با اهداف رویکرد- تبحری رابطه داشت و سهم معنی داری در پیش بینی آن داشت و به صورت منفی با اهداف اجتناب- عملکردی ارتباط داشته و سهم معنی داری در پیش بینی این بعد از اهداف پیشرفت داشت اما جنسیت در پیش بینی هیچ یک از ابعاد اهداف پیشرفت سهم معنی داری نداشت.

تحقیق جوکار و البرزی (1389) نیز با عنوان بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیت مثل کمالگرایی با خلاقیت دانش آموزان نشان داد که در بعد بسط خلاقیت، تفاوت معناداری به نفع دختران وجود دارد. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین ابعاد کمالگرایی با خلاقیت وجود دارد. بدین صورت که ابعاد کمال گرایی 20 درصد از واریانس خلاقیت را تبیین می‌کند و دختران نمره‌های بالاتری در متغیرهای خلاقیت و کمال گرایی منفی کسب کردند در حالی که پسران نمره‌های بالاتری در کمال گرایی مثبت به دست آوردند.

ساداتی (1387) در بررسی رابطه ابعاد جهت گیری هدفی و کمال گرایی با خلاقیت در دانش آموزان دبیرستانی شاغل به تحصیل در مدارس استعدادهای درخشان به این نتیجه رسید که رابطه

معناداری بین ابعاد کمال گرایی با خلاقیت وجود دارد. به طوری که از این میان کمال گرایی مثبت به صورت مثبت و کمال گرایی منفی به صورت منفی با خلاقیت رابطه دارد.

شیخ الاسلامی و رضویه (1384) در تحقیقی با هدف بررسی تاثیر انگیزش بیرونی و انگیزش درونی بر خلاقیت دانشجویان نشان دادند که جنسیت بر نمره مولفه‌های مختلف خلاقیت اثر معناداری ندارد.

در پژوهشی که میرزا کسفیدی (1384) با عنوان "بررسی ابعاد کمال گرایی و صفات شخصیتی انجام شد نتایج نشان دادند که بین ویژگی‌های شخصیتی با کمال گرایی مثبت رابطه ی مثبت معنادار و بین عامل روان نژندی و کمال گرایی منفی رابطه ی مثبت و معنادار وجود دارد. بین روان نژندی و شیوه‌های مقابله ای هیجان مدار رابطه مثبت و معنادار و بین توافق پذیری و شیوه‌های مقابله ای هیجان مدار رابطه ی منفی و معنادار وجود دارد .

در پژوهش بشارت (1384) با هدف " بررسی رابطه کمال گرایی و موفقیت ورزشی در ورزشکاران "، برای سنجش کمال گرایی، از ورزشکاران خواسته شد مقیاس کمال گرایی مثبت و منفی را تکمیل کنند و برای ارزیابی موفقیت ورزشی، مقیاس موفقیت ورزشی توسط مربیان و ورزشکاران اجرا شد. نتایج پژوهش نشان داد بین کمال گرایی مثبت و منفی به ترتیب با موفقیت ورزشی همبستگی ساده مثبت و منفی وجود دارد اما فقط کمال گرایی مثبت می‌تواند تغییرات مربوط به موفقیت ورزشی را به صورت معنی دار پیش بینی کند. کمال گرایی مثبت از طریق ویژگی هایی مانند واقع بینی، پذیرش محدودیت‌های شخصی، انعطاف پذیری احساس رضایت و خرسندی از عملکرد شخصی، تقویت عزت نفس و اعتماد به خود و همچنین برداشت مثبت فرد از حمایت‌ها و ارزشیابی‌های اجتماعی، با افزایش موفقیت ورزشی ارتباط دارد.

مک کواید (2009) در پژوهشی به بررسی رابطه بین عملکرد اضطرابی، کمال گرایی و خوش بینی و خودکارآمدی در عملکرد دانشجویان رشته هنر پرداخت. نتایج نشان داد که رابطه منفی و چشمگیری بین اضطراب عملکرد و خوش بینی و همچنین بین اضطراب عملکرد و خودکارآمدی وجود دارد. تحلیل رگرسیون نشان داد که کمال گرایی، خوش بینی و خودکارآمدی پیش بینی کننده اضطراب عملکرد می‌باشند.

استوبر، هافیلد و وود (2008) در پژوهشی به بررسی کمال گرایی، خودکارآمدی و سطح شوق به انجام کار پرداختند. اثرات متفاوت میل شدید به کمال گرایی و خود انتقادگری بعد از موفقیت و شکست

نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان دادند که تمایل شدید به کمال گرایی با خودکارآمدی و شوق به انجام کار قبل از بازخورد جهت دهی شده رابطه مستقیم دارد. بیشتر اینکه تمایل شدید به کمال گرایی باعث افزایش بالا رفتن سطح شوق برای انجام کار بعد از موفقیت می‌شود. برعکس، خود انتقادگری رابطه ی منفی با خودکارآمدی قبل از بازخورد داشته و باعث کاهش خودکارآمدی بعد از بازخورد شکست می‌شود. این پژوهش تایید می‌کند که کمال گرایی می‌تواند دارای دو بعد سازگارانه و ناسازگارانه باشد. خودانتقادگری همراه با خودکارآمدی پایین است که سبب می‌شود کمال گرایان اعتماد خود را بعد از شکست از دست بدهند.

استوبر و اتو (2006) در پژوهش خود بیان کردند که کمال گرایی مثبت با سازگاری مطلوب، عاطفه مثبت، شکیبایی و پیشرفت تحصیلی رابطه دارد. یکی از متغیرهایی که به عنوان یک عامل تعدیل کننده نقش مهمی را بین کمال گرایی و سلامت روانی ایفا می‌نماید عزت نفس است.

تری شورت و همکاران (1995) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین کمال گرایی و انگیزه پیشرفت" بین کمالگرایی مثبت و منفی تمایزی اساسی قایل شدند. براساس نظر این پژوهشگران، فرد کمالگرای مثبت از رقابت برای برتری و کمال لذت می‌برد و در راستای رسیدن به پیامدهای مطلوب تلاش می‌نماید در حالیکه کمالگرای منفی، انتظارات غیر واقع بینانه‌ای از عملکرد خویش دارد و از پیامدهای منفی اجتناب می‌نماید.

روش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی - همبستگی است. در این تحقیق رابطه میان متغیرها بر اساس هدف پژوهش یعنی بررسی رابطه بین کمالگرایی و خلاقیت در بین دانش آموزان دوره دوم متوسطه تحلیل می‌گردد لذا در تحقیق حاضر از روش توصیفی استفاده شده است که هدف آن توصیف کردن شرایط مورد بررسی است.

جامعه آماری پژوهش را دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهر جاجرم در سال تحصیلی 94-1393 تشکیل می‌دهند که 103 دانش آموز پسر و 100 دانش آموز دختر دبیرستانی دوره متوسطه دوم مشغول به تحصیل هستند. روش نمونه گیری این تحقیق، روش تمام شماری است.

به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از دو پرسشنامه به شرح زیر استفاده شد:

الف- مقیاس کمال گرایی مثبت و منفی تری شورت: تری - شورت و همکاران (1995) برای اندازه گیری کمال گرایی مثبت و منفی ابزاری را تهیه کردند که مشتمل بر 40 گویه است که 20 گویه آن (2، 3، 9، 6، 14، 16، 18، 19، 21، 23، 24، 25، 28، 29، 30، 32، 34، 35، 37، 40) کمال گرایی مثبت و 20 گویه دیگر کمالگرایی منفی را ارزیابی می کند.

ب- پرسشنامه سنجش خلاقیت تورنس که خلاقیت را شامل 4 عنصری اصلی زیر می داند :

1. سیالی : قدرت تولید ایده ها و جواب های فراوان (سوال 1-15 برای سنجش بعد سیالی خلاقیت است).

2. انعطاف : توانایی لازم برای تغییر جهت فکری یا توانایی تولید ایده های متنوع (سوال 16-30 برای سنجش بعد انعطاف پذیری افراد است).

3. ابتکار : توانایی تولید ایده یا محصول نو و بدیع. (سوالات 31-45 برای بررسی این بعد از خلاقیت است).

4. بسط با جزئیات : توانایی توجه به جزئیات وابسته به یک ایده (سوالات 46-60 برای سنجش بعد بسط جزئیات خلاقیت است).

در پژوهش حاضر نیز اعتبار این آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. طبق نتایج، ضرایب بدست آمده برای کل آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب 0/82 و برای مؤلفه سیالی 0/61، ابتکار 0/71، انعطاف پذیری 0/60 و بسط 0/52 بدست آمد. ضرایب بدست آمده برای کل آزمون با استفاده از روش تنصیف ضریب 0/83، برای مؤلفه سیالی 0/69، ابتکار 0/70، انعطاف پذیری 0/57 و بسط 0/53 بدست آمد. همچنین به منظور تعیین روایی با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب همبستگی خرده آزمون ها با نمره کل مورد محاسبه قرار گرفت. که ضریب همبستگی خرده آزمون های سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط با نمره کل به ترتیب 0/67، 0/70، 0/59، 0/64 بدست آمد که این ضریب های همبستگی در سطح $P < 0/001$ معنادار است. این ضریب حاکی از روایی مقیاس مذکور است.

ضرایب بدست آمده اعتبار و روایی مقیاس پرسشنامه کمالگرایی مثبت و منفی تری - شورت و همکاران را تأیید می کنند. به منظور تعیین روایی مقیاس خلاقیت تورنس با استفاده از روش همسانی

درونی، ضریب همبستگی خرده آزمون‌ها با نمره کل مورد محاسبه قرار گرفت که ضریب همبستگی خرده آزمون‌های سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط با نمره کل به ترتیب 0/67، 0/70، 0/59، 0/64 بدست آمد که این ضریب‌های همبستگی در سطح $P < 0/001$ معنادار است. این ضریب حاکی از روایی مقیاس مذکور است.

پیش از بکارگیری آنها در مرحله اصلی جمع آوری داده‌ها، ضرورت دارد که پژوهشگر اطمینان نسبی لازم را نسبت به پایا بودن ابزارها پیدا کند. به جهت تعیین پایایی پرسشنامه تعداد 30 عدد پرسشنامه در میان نمونه جامعه آماری توزیع گردید و میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که نتایج به این شرح است: خلاقیت (0/81)، کمالگرایی (0/85)، کمالگرایی مثبت (0/88) و کمالگرایی منفی (0/73).

یافته‌ها:

یافته‌های آمار توصیفی نشان دهنده این است که کمترین و بیشترین میانگین به ترتیب مربوط به کمالگرایی و خلاقیت بوده است و این بدان معنی است که بیشتر دانش آموزان از نظر عملکرد، تفکری خلاق داشته‌اند. همچنین در پسران کمترین و بیشترین میانگین به ترتیب مربوط به بعد کمالگرایی مثبت و خلاقیت بوده است. در دختران کمترین و بیشترین میانگین به ترتیب مربوط به بعد کمالگرایی منفی و خلاقیت بوده است.

طبق نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنوف، ابعاد کمالگرایی و خلاقیت، مقادیری با سطح معنی‌داری بیشتر از سطح آزمون یعنی $\alpha = 0.01$ می‌باشد دارای توزیع نرمال می‌باشد، شرط بررسی آزمون فرضیه‌ها را با آزمونهای پارامتریک در تحلیل فرضیات دارا می‌باشد. فرضیه اصلی: بین ابعاد کمال گرایی و خلاقیت دانش آموزان دبیرستانی دوره متوسطه دوم شهرستان جاجریم رابطه وجود دارد.

جدول 1: نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه اصلی

متغیر	خلاقیت	همبستگی	فرضیه‌ی دوم
ابعاد کمالگرایی	-0.269***	همبستگی	دوم
	0.01	سطح معناداری	
	203	حجم نمونه	

نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که همبستگی بین ابعاد کمال گرایی و خلاقیت برابر با 0.269- می‌باشد و با توجه به سطح معناداری برآورد شده 0.01 می‌توان ادعا کرد که فرض صفر رد و نقیض آن تأیید می‌گردد یعنی بین ابعاد کمال گرایی و خلاقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: ابعاد کمال گرایی قابلیت پیش بینی خلاقیت در دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم را دارد.

جدول 2: جدول تحلیل واریانس به منظور تعیین نقش متغیر پیش بین در تبیین واریانس متغیر ملاک کل دانش

آموزان

سطح معناداری (sig)	ضریب تعیین (R2)	ضریب همبستگی (R)	آماره‌ی آزمون (F)	میانگین مربعات (M.s)	درجه آزادی (df)	مجموع مربعات (s.s)	
0/001	0/355	0/46	37/202	3205/256	2	41668/324	رگرسیون
				86/157	201	31102/785	خطا
					203	31102/785	کل

همانطور که در جدول 2 ملاحظه می‌گردد، همبستگی بین متغیر خلاقیت و کمال گرایی سهمی 0.46 بدست آمده است که نشان دهنده معنی دار بودن رابطه بین این دو متغیر است و مقدار ضریب تعیین 0.355 بدست آمده است یعنی 35 درصد واریانس خلاقیت توسط کمال گرایی قابل تبیین است. آزمون معنی‌داری مدل رگرسیون نیز نشان می‌دهد که در سطح 99 درصد معنی‌دار می‌باشد (sig=0.00) معنی دار می‌باشد، بنابراین می‌توان ادعا کرد که فرض تحقیق تأیید و نقیض آن رد می‌گردد، در نتیجه ابعاد کمال گرایی قابلیت پیش بینی خلاقیت دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم را دارد و بین آنها رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

همچنین جدول 3 نتایج ضریب رگرسیون را نشان می‌دهد که براساس آن کمال‌گرایی مثبت با بتای 0/52 بصورت مثبت و کمال‌گرایی منفی بصورت بتای 0/23- بصورت منفی، به صورت معنی‌داری در پیش بینی خلاقیت سهمیم هستند.

جدول 3: نتایج بررسی ضرایب رگرسیون جهت تعیین نقش متغیرهای پیش بین در متغیر ملاک کل دانش آموزان

متغیر	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده (B)	ضرایب رگرسیون استاندارد شده (Beta)	آماره‌ی آزمون (t)	سطح معناداری (sig)
مقدار ثابت	95/159		3/610	0/000
کمال‌گرایی مثبت	1/072	0/527	2/902	0/004
کمال‌گرایی منفی	-0/945	-0/235	-3/530	0/000

فرضیه فرعی دوم: بین میزان خلاقیت دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد.

جدول 4: سنجش آزمون T برای بررسی تفاوت خلاقیت دانش آموزان بر حسب جنسیت

جنسیت	میانگین	انحراف معیار	درجه‌ی آزادی	آماره‌ی آزمون	سطح معنی داری
پسر	110/32	14/48	201	3/119	0/34
دختر	109/27	13/17			

یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که آماره‌ی t برابر 3/119 و سطح معناداری 0/34 می‌باشد. چون سطح معناداری بیشتر از 0/05 است، فرضیه پژوهشی در سطح 0/05 تایید نمی‌شود بنابراین می‌توان ادعا کرد که فرض صفر تأیید و نقیض آن رد می‌گردد و با اطمینان 95 درصد بین خلاقیت دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد. در واقع نتایج آزمون T بیانگر این واقعیت است که دختران و پسران به لحاظ ذاتی از خلاقیت برخوردارند و تفاوت چندانی در این زمینه وجود ندارند.

فرضیه فرعی سوم: بین ابعاد کمال گرایی دانش آموزان دوره متوسطه دوم بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد.

جدول 5: تحلیل رگرسیون ابعاد کمالگرایی و خلاقیت

مجموع مربعات (s.s)	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات (M.s)	آماره‌ی آزمون (F)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)	سطح معناداری (sig)
20348/182	2	283/348	40/117	0/67	0/468	0/002
785/31102	201	83/211				
7109/72771	203					

نتایج بررسی ضرایب رگرسیون جهت تعیین نقش متغیرهای پیش بین در متغیر ملاک

متغیر	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده (B)	ضرایب رگرسیون استاندارد شده (Beta)	آماره‌ی آزمون (t)	سطح معناداری (sig)
مقدار ثابت	95/159		3/610	0/000
کمالگرایی مثبت	1/237	0/471	2/754	0/003
کمالگرایی منفی	-1/360	-0/294	-2/409	0/002

میزان همبستگی بین ابعاد کمال گرایی و خلاقیت گروه پسران 0.67 می‌باشد و مقدار ضریب تعیین 0.46 می‌باشد، ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیر کمال گرایی سهمی به میزان 46.8 درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کند، آزمون معنی‌داری مدل رگرسیون نیز نشان می‌دهد که این مدل در سطح 99 درصد معنی‌دار می‌باشد (sig=0.00) یعنی این فرضیه رد نمی‌شود، بنابراین می‌توان ادعا کرد که فرض یک تأیید و نقیض آن رد می‌گردد، در نتیجه بین ابعاد کمال گرایی دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد. نتایج بررسی ضرایب رگرسیون جهت تعیین نقش متغیرهای پیش بین گویای این واقعیت است که کمال گرایی مثبت در پسران بیشتر است و دختران در بعد کمال گرایی منفی نسبت به پسران پیشگام هستند.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که بین ابعاد کمال گرایی و خلاقیت در دانش آموزان مورد مطالعه رابطه وجود دارد بطوریکه در تبیین این یافته‌ها باید عنوان کرد افرادی که از تفکرات خلاقانه برخوردارند، دارای دو مؤلفه کمال گرایی مثبت یعنی (توجه موشکافانه به جزئیات و تعهد) که فلت و هویت (2006) بیان کرده است نیز می‌باشند که وجود این دو بعد در افراد کمال‌گرای مثبت باعث شکوفایی تواناییهای آنها می‌شود. بر این اساس افراد کمال‌گرای مثبت از تفکرات خلاقانه بیشتری برخوردارند. نتایج کلی حاصل از این پژوهش عبارت است از:

- ابعاد کمال گرایی نقش معناداری بر خلاقیت دانش آموزان در دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم دارد.
- کمال گرایی مثبت نقش مثبت و معناداری بر خلاقیت دانش آموزان دوره متوسطه دوم جاجرم دارد.
- کمال گرایی منفی نقش منفی و معناداری بر خلاقیت دانش آموزان در دوره متوسطه دوم شهرستان جاجرم دارد.

پیشنهادها

- با توجه به اینکه بین کمال گرایی با خلاقیت، رابطه معنا داری وجود دارد، به این صورت که خلاقیت با کمال گرایی منفی به صورت منفی و با کمال گرایی مثبت به صورت مثبت در سطح $P < 0/01$ معنادار است، لذا پیشنهاد می‌شود والدین و دست اندرکاران تعلیم و تربیت در جهت شکوفایی و پرورش خلاقیت و کاهش کمال گرایی منفی با استفاده از روش‌های شناختی - رفتاری

برای تعدیل و درمان کمال گرایی منفی و تقویت کمال گرایی مثبت با برگزاری جلسات تخصصی مشاوره و راهنماییهای لازم در دانش آموزان اقدام نمایند.

- پیشنهاد می‌شود که دانش آموزان و ویژگی‌های شخصیتی آنها بیشتر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و با شناسائی ابعاد مثبت و منفی کمال گرایی در دانش آموزان در جهت کمک به رشد و تقویت قوه خلاقیت فراگیران و در نتیجه به ابداع و نوآوری در جامعه کمک نمود.

- با توجه به اینکه نتایج آزمون T نشان داد که تفاوت معناداری در میزان خلاقیت دختران و پسران وجود ندارد اما مروری بر پژوهشهای انجام شده در باره خلاقیت و تفاوت‌های جنسیتی حاکی از آن است که میان پژوهشگران در این خصوص اتفاق نظر وجود ندارد؛ در این مورد تحقیقات متعددی انجام گرفته که همگی دارای نتایج متفاوتی اند به نحوی که برخی از آنها مؤید وجود تفاوت جنسیتی در خلاقیت هستند، لذا پیشنهاد می‌شود در این زمینه باید تحقیقات گسترده تری در بازه زمانی متعدد و در محدوده مکانی گسترده تری انجام پذیرد تا بتوان بر اساس یافته‌های جدید و با انجام آزمون‌های علمی به یک نتیجه معنادار علمی دست پیدا کرد که میزان خلاقیت در دو جنس دختران و پسران به چه میزان است.

با توجه به اینکه نتایج آزمون‌ها نشان دادند نمرات دختران و پسران در ابعاد کمال‌گرایی تفاوت معناداری با هم دارند، بدین صورت که نمرات پسران در بعد کمال گرایی مثبت و دختران در بعد کمال گرایی منفی بالاتر بوده است، در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که دختران در مقایسه با پسران از حالتها و اختلال‌های اضطرابی بیشتری رنج می‌برند، لذا بر اساس این نتایج پیشنهاد می‌شود که به افراد دارای کمال گرایی منفی کمک شود تا با مراجعه به مراکز مشاوره در جهت رفع این ویژگی‌های شخصیتی منفی در جهت سلامت خود گام بردارند.

- با توجه به شیوع اختلال‌های اضطرابی و افکار کمال گرایی منفی در بین دانش آموزان، به ویژه دانش آموزان دوره متوسطه، لزوم توجه مسئولان نظام آموزشی به اینگونه مسائل برای اصلاح رفتار دانش آموزان و سوق دادن آنها به سمت کمال گرایی مثبت برای کاهش اختلال‌های اضطرابی و افسردگی ضروری می‌نماید زیرا داشتن این ویژگیها منجر به افت تحصیلی در دانش آموزان دوره متوسطه و در نهایت کاهش خلاقیت و نوآوری آنان می‌گردد.

کتابنامه:

- افروز، غلامعلی (1386). *چکیده‌ای از روان شناسی کاربردی*. تهران. انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- بشارت. محمدعلی، (1384): بررسی رابطه کمال گرایی و موفقیت ورزش. حرکت. شماره 23 ص 165.
- بشارت، محمدعلی، (1383). *بررسی رابطه کمال گرایی و مشکلات بین شخصی*. ماهنامه دانشور رفتار، دانشگاه شاهد. سال یازدهم. شماره 7، ص 11-12.
- جوکار، بهرام؛ البرزی، محبوبه. (1389). *رابطه ویژگی‌های شخصیت با خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی؛ مجله مطالعات روانشناختی؛ دوره ششم - بهار 1389 - شماره 1 (از 89 تا 110)*
- حسینی، شهربانو. (1389). *بررسی ویژگی‌های شخصیتی دانش آموزان خلاق و تعیین رابطه میان خلاقیت با پیشرفت تحصیلی، هوش، طبقه اجتماعی و جنسیت در گروهی از دانش آموزان سال سوم راهنمایی در شهر شیراز*. شورای تحقیقات آموزشی استان فارس.
- حیدری تفرشی، غلامحسین. (1388). *بررسی رابطه خلاقیت و بهره‌وری*. مجله تخصصی جامعه شناسی. شماره دوم. ص 37
- خادمیان، عبدالله (1388) *خلاقیت و نوآوری در آموزش و پرورش*. تهران، فرهنگ آموزش، سال پنجم، شماره 12، ص 127.
- ساداتی، سمیه (1387) *بررسی رابطه جهت گیری هدفی و کمال گرایی با خلاقیت در دانش آموزان دبیرستانی شاغل به تحصیل در مدارس استعدادهای درخشان*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران
- سیف، علی اکبر. (1386). *روانشناسی تربیتی نوین*. روانشناسی یادگیری و آموزش، دوره ششم. انتشارات دوران.
- شاه حسینی، علی. اسماعیل، کاوسی. (1388). *بررسی رابطه خلاقیت و کارآفرینی و نوآوری در کسب و کار*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر،
- شعاری نژاد. علی اکبر. (1388) *روان شناسی رشد*. اطلاعات. تهران.
- شیخ الاسلامی، راضیه؛ رضویه، اصغر (1384) *پیش بینی خلاقیت دانشجویان دانشگاه شیراز با توجه به متغیرهای انگیزش بیرونی، انگیزش درونی و جنسیت؛ فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، زمستان 1384 - شماره 45؛ 94 تا 103*
- عابدی، نگار، (1386). *بررسی رابطه کمال گرایی و خلاقیت در دانش آموزان شاهد*، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.

- علیزاده صحرائی، محمد. (1388). بررسی رابطه کمال گرایی و سلامت روان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
- علی محمدی، جمال. (1388). روش‌های نوین در خلاقیت. مجله پژوهش‌های تربیتی 2 و 3. ص 23
- کمسفیدی، میرزا. (1384). بررسی ابعاد کمال گرایی و صفات شخصیتی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
- مقیمی، سید محمد، (1385). بررسی رابطه تعهد و اخلاق سازمانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- ملفت، قوام؛ ساداتی، فیروزآبادی، سمیه (1392). رابطه ابعاد کمال‌گرایی با خلاقیت در دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز؛ فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشی؛ سال اول، شماره 3؛ ص 71-78
- ولیکی، عارف. امینی، رضا. (1389). مقایسه ی تفکر انتقادی، سخت کوشی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت در دانش آموزان. مجله پژوهش‌های تربیتی 4. ص 13.

Brolin, C. (1992). Kreativitet och kritiskt tandande. Redskap for framtidsberedskap. Creativity and Critical Thinking: Tools for Preparedness for the Future, In Krut. 53, 71 64.

Eysenck, M.W. (2000). Cognitive Psychology: A Student's Handbook. London: Psychology Press Ltd.

Flett, G.L. & Hewitt, P.L. (2002). Perfectionism and Maladjustment: An Overview of Theoretical, Definitional and Treatment Issues. In P.L. Hewitt, & G.L. Flett (Eds.), Perfectionism: Theory, Research, and Treatment (p. 5-31). Washington, DC: American Psychological Association.

Flett, G.L. & P.L. Hewitt (2005). The Perils of Perfectionism in Sports and Exercise. Current Directions in Psychological Science, Vol. 14, 1, 18, 14

Flett, G.L. & P.L. Hewitt (2006). Positive versus Negative Perfectionism in Psychopathology: A Comment on Slade and Owens's Dual Process Model. Behavior Modification. 30, 4, 495 472.

Frost, R.O., P.A. Marten, C. Lahart & R. Rosenblate (1990). The Dimensions of Perfectionism. Cognitive Therapy and Research, 14, 468 449.

Goldberg, D.P. (1972). The Detection of Psychiatric Illness by Questionnaire. Maudsley Monograph, 21. Oxford University Press.

Hamachek, D.E. (1978). Psychodynamics of Normal and Neurotic Perfectionism. Psychology, 15, 33 27.

Kim, J. & Michael, W.B. (1995). The Relationship of Creativity Measures to School Achievement and to Preferred Learning and Thinking Style in a Sample

of Korean High School Students. Educational and Psychological Measurement, Vol. 55, 1, 60-74.

Roedell, W.C. (1984). Vulnerabilities of Highly-Gifted Children. Roeper Review, Vol. 6(3), 127-130.

Stumpf, H. & W.D. Parker (2000). A Hierarchical Structural Analysis of Perfectionism and its Relation to Other Personality Characteristics. Personality and Individual Differences, 28, 852-837

Stober, Joashim; Otto, Kathleen (2006) positive conceptions of perfectionism: approaches, evidence, challenges ;personality and social psychology review,10;295-319

Terri-Short, L.A., R.G. Owens, P.D. Slade & M.E. Dewey (1995). Positive and negative perfectionism. Personality and Individual Differences, Vol. 18, 663-668.

Torrance, E. & K. Goff (1989). A Quite Revelation. Journal of Creative Behavior, Vol. 23, 136-145.

Torrance, E.P. (1989). Can we teach children to think creativity? Journal of Creative Behavior, Vol. 6, 143-114.

Weisberg, R. (1992). Creativity Beyond the Myth of Genius. New York: Freeman Company

